

## میراث زنده یاد پروفسور احسان یارشاطر حورا یآوری



احسان یارشاطر، فرزند هاشم یارشاطر و روحیه میثاقیه در ۱۲ فروردین ۱۳۹۹ ش. ۱/ آوریل ۱۹۲۰ در همدان به دنیا آمد، روز ۱۰ شهریور ۱۳۹۷ ش. ۱/ سپتامبر ۲۰۱۸ در شهر فرزنو، کالیفرنیا در گذشت، و روز چهارشنبه ۲۱ شهریور/ ۱۲ سپتامبر با مشایعت عده کثیری از دوستان و علاقمندان به ایران و فرهنگ و زبان فارسی در کنار همسرش، لطیفه علویه یارشاطر، در نیویورک به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

دکتر احسان یارشاطر سال های نخستین زندگی و تحصیل را در همدان گذراند، پس از مرگ زود هنگام مادر و پدر به تهران آمد، تحصیلاتش را در رشته ادبیات فارسی ادامه داد، و در سال ۱۳۲۶ ش. ۱۹۴۷/ از رساله دکترایش، تحت عنوان “شعر فارسی در نیمه دوم قرن نهم” که با نظارت علی اصغر حکمت تدوین شده بود، دفاع کرد. این رساله چند سال بعد تحت عنوان “شعر فارسی در عهد شاهرخ” منتشر شد. دکتر احسان یارشاطر در سال ۱۹۲۶ ش. ۱۹۴۷/، درست

<sup>۱</sup> برای اطلاع دقیق از زندگی دکتر یارشاطر و مشکلات و موانعی که به خصوص در سال های کودکی و نوجوانی با آن رو به رو بوده است، نگاه کنید به احسان یارشاطر در گفتگو با ماندانا زندیان، شرکت کتاب، لس آنجلس، ۲۰۱۵.

همان سالی که دوره دکترای ادبیات را در دانشکده ادبیات به پایان رسانده بود، با دریافت بورس تحصیلی از شورای فرهنگی بریتانیا به انگلستان رفت و زیر نظر والتر برونو هنینگ (Walter Bruno Henning) به آموختن زبان ها و ادبیات باستانی ایران پرداخت، و پس از تحقیقات میدانی گسترده در مورد زبان ها و لهجه های ایرانی، در سال ۱۳۳۹ش. / ۱۹۶۰ در کنفرانس بین المللی شرق شناسی که در مسکو برگزار شده بود، از پایان نامه دکترایش، تحت عنوان "زبان تاتی جنوبی" که با نظارت والتر برونو هنینگ نوشته بود، با موفقیت دفاع کرد. اعضای کمیته ارزیابی عبارت بودند از سر هارولد بیلی (Harold William Bailey)، امیل بنونیست (Benveniste Emile)، ایلیا گرشویچ (Gershwitche Ilia)، و البته خود هنینگ که یارشاطر برای او احترام فراوان قائل بود، و همواره او را به یگانگی در دانش و دقت علمی می ستود.

دکتر یارشاطر در سال ۱۳۲۱ش. / ۱۹۴۲ به مدت یک سال در دبیرستان علمیه تدریس کرد، مدتی معاونت دانشسرای مقدماتی را عهده دار بود، پس از به پایان رساندن دوره دکترا به دانشجویی کرسی ادبیات فارسی در دانشکده الهیات منصوب شد، بعد از بازگشت به ایران دانشجویی کرسی زبان اوستا و فارسی باستان را در دانشگاه تهران به عهده گرفت، و پس از بازنشستگی ابراهیم پورداود، برای تصدی کرسی فرهنگ ایران باستان در دانشگاه تهران برگزیده شد. دکتر یارشاطر در سال ۱۳۳۷ش. / ۱۹۵۸ به دعوت دانشگاه کلمبیا به امریکا آمد، و پس از تأسیس کرسی هاکوب کورکیان در مطالعات ایران شناسی، همکاری با دانشگاه کلمبیا را آغاز کرد، و تدریس دروس مربوط به تاریخ تمدن و فرهنگ ایران پس از اسلام، و متون ادبی فارسی را عهده دار شد. دکتر احسان یارشاطر در فاصله سال ۱۹۵۲ تا سال ۱۹۶۷ دو بار به ریاست گروه مطالعات خاورمیانه دانشگاه کلمبیا برگزیده شد. در سال ۱۹۶۸ مرکز ایرانشناسی را در دانشگاه کلمبیا که فعال ترین مرکز ایرانشناسی در آمریکاست تأسیس نمود، و انتشار دانشنامه ایرانیکا را آغاز کرد. نخستین جلد دانشنامه ایرانیکا، با همکاری برجسته ترین محققان هر رشته، در سال ۱۹۸۲ انتشار یافت. مرکز ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا در زمانی کوتاه اهمیتی فراوان یافت و دانشنامه ایرانیکا،

به عنوان مرجعی مستند و جامع درباره فرهنگ و تاریخ و ادب ایران، و سرزمین هایی که در قلمروی گسترده فرهنگ ایران و زبان های ایرانی قرار می گیرند، مورد تأیید و ستایش مراکز علمی و دانشگاهی قرار گرفت.

تاریخ معاصر ایران به نام و دستاوردهای علمی و فرهنگی پژوهندگان و استادان بزرگی آراسته است و آشنایی ایرانیان با پیشینه تاریخی و فرهنگی خود، از یک سو، و شیوه های جدید تحقیق و نگارش و آموزش، از سویی دیگر، مرهون دانش و پشتکار و همت آن هاست. نام ها فراوان است و برشمردن خدمات آن ها فرصت بسیار می طلبد. اما شمار کسانی که گذشته از آموزش و پژوهش و نگارش به هدف های دیگری چون تأسیس سازمان ها و مجامع فرهنگی و ادبی و هنری، و یاری گرفتن از پستوانه علمی و تحقیقی استادان و پژوهندگان دیگر برای انتشار مجلات علمی و تحقیقی، یا ترجمه متون ادبی و فلسفی غرب به زبان فارسی اندیشیده اند و در تحقق آن کوشیده اند، زیاد نیست. نام کسانی چون محمدعلی فروغی و نقش عمده او در تأسیس فرهنگستان، علی اصغر حکمت و همت او در نو کردن نظام آموزشی کشور، علی اکبر دهخدا و "لغت نامه"، غلامحسین مصاحب و "دایره المعارف فارسی"، همایون صنعتی زاده و نقش مؤثر او در مدیریت مؤسسه فرانکلین و آشنا کردن ایرانیان با شیوه های مدرن چاپ و ویراستاری، پرویز ناتل خانلری با انتشار مجله "سخن"، و "شاهکارهای ادبیات فارسی"، پایه گذاری سپاه دانش، سازمان مبارزه با بیسوادی، و بنیاد فرهنگ ایران، ایرج افشار با انتشار "فرهنگ ایران زمین"، "آینده"، و "فهرست مقالات فارسی"، و خدمات بی نظیری که در دوران تصدی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران انجام داد در فهرست این ایرانیان راهگشا و چاره اندیش جلوه مشخصی دارد. استاد احسان یارشاطر، اگر اصطلاح را از ملک الشعرای بهار وام بگیریم، در شمار این نادره کاران است و از عهده سامان دادن به کارهایی برآمده که انجام آن ها از توان چند دانشمند برجسته و فعال هم بیرون بوده است.

فعالیت های دکتر یارشاطر، چه در ایران و چه در امریکا، به آموزش و پژوهش محدود نشده، نام او به تقریباً کلیه زمینه ها و مطالعات ایرانشناسی در ایران و جهان پیوند خورده و مؤسسات و بنیاد

هایی که پایه‌گذاری کرده، موجبات همکاری و فعالیت چندین نسل از پژوهندگان و محققان ایرانی و غیرایرانی را در زمینه مطالعات ایران‌شناسی فراهم کرده است. موفقیت در این کار جدا از فکر درست و برنامه ریزی دقیق و سنجیده، مستلزم پشتکار فراوان، جلب اعتماد و همکاری محققان دیگر و عرضه نتایج کار به صورتی است که پشتیبانی مالی علاقمندان به گسترش و توسعه طرح‌های فرهنگی را موجب شود و ادامه کار را ممکن کند.

در سال‌هایی که دکتر یارشاطر در ایران بود، در کنار بسیاری از طرح‌های دیگر به تأسیس بنگاه ترجمه و نشر کتاب همت گماشت، که کار اصلی آن ترجمه آثار ادبی و فلسفی طراز اول جهان به کمک مترجمین ممتاز به زبان فارسی بود. ترجمه محمدعلی جمال‌زاده از داستان "ویلهم تل"، ترجمه پرویز خانلری از "تریستان و ایزوت"، ترجمه محمود صناعی از "سه رساله افلاطون"، ترجمه مه‌ری آهی از "پدران و پسران" تورگنیف، و ترجمه ادوارد ژوزف از "باباگوریو" اثر بالزاک نخستین کتاب‌هایی بودند که همزمان با هم و با شکل و طرحی یکسان در ویرتین کتابفروشی کوچکی که بنگاه ترجمه و نشر کتاب تأسیس کرده بود، به بازار عرضه شدند و مورد توجه و استقبال فراوان قرار گرفتند. بنگاه ترجمه و نشر کتاب مجموعه‌اشیت و سه جلد از آثار ادبی و فلسفی جهان را با ترجمه ممتازترین مترجمان به بازار فرستاد که از نمونه‌های دیگر آن می‌توان از "ایلیاد" هومر و "زندگی مردم نامی" اثر پلوتارک در چند جلد نام برد.

اما دامنه کار بنگاه ترجمه و نشر کتاب بسیار از این گسترده‌تر بود و در طول سال‌های فعالیت مجموعه‌هایی چون "مجموعه ادبیات برای جوانان"، "مجموعه کتاب‌های کودکان"، "مجموعه ایران‌شناسی" "مجموعه متون زبان فارسی"، "مجموعه کتاب‌های تاریخ و فلسفه"، "مجموعه داستان‌های ملل"، و "مجموعه سرگذشت بزرگان" را منتشر کرد، که هر کدام از آن‌ها، با توجه به فقدان آثار مشابه در آن روزها در آشناکردن علاقمندان با فرهنگ غرب و دستاوردهای آن نقش بزرگی به عهده داشته‌اند و تأثیر فراوان به جای گذاشته‌اند.

تأسیس انجمن کتاب در سال ۱۹۵۶ و وام دادن کتاب به علاقمندان، بدون دریافت وثیقه و بدون مقررات دست و پاگیر از دیگر برنامه‌هایی بود که به ابتکار دکتر احسان یارشاطر آغاز شد.

بازگردانده شدن تقریباً همه کتاب‌ها به انجمن کتاب، با چند استثنای معدود، از خاطره‌هایی خوبی است که دکتر یارشاطر در کتابی که اخیراً به همت دکتر ماندانا زندیان تحت عنوان "احسان یارشاطر در گفتگو با ماندانا زندیان" منتشر شده مکرر به آن اشاره کرده است. موفقیت این طرح به اجرای طرح دیگری به نام "کتابخانه سیار" انجامید. کتاب‌ها با وانت به مناطق دوردست می‌رسید و آسان و بدون وثیقه در اختیار مردم قرار می‌گرفت. طرح دیگر ایجاد "انجمن کتاب" و انتشار مجله "راهنمای کتاب" با همکاری عبدالحسین زرین کوب، ایرج افشار و مصطفی مقربی بود. انتشار مجله "راهنمای کتاب"، که کسانی چون احمد آرام، احمد بیرشک، ابراهیم پورداود، سیدحسن تقی زاده، ذبیح‌الله صفا، یحیی مهدوی، و سعید نفیسی با آن همکاری می‌کردند، آغازگر نقد ادبی در ایران به معنای دقیق کلمه بود، نقدی که هدف آن شناساندن ویژگی‌های بلاغی و ساختاری متن، با رعایت موازین سنجیده، و مقایسه آن با متون مشابه، بدون جهت‌گیری و جانبداری بود، و به زودی آوازه‌ای درخور یافت. انتشار مجله "راهنمای کتاب" به عنوان نشریه انجمن کتاب به همت ایرج افشار تا سال ۱۹۷۹ ادامه یافت. ایرج افشار پس از انقلاب انتشار مجله "آینده" را با همان سبک و سیاق "راهنمای کتاب" تا مدت‌ها ادامه داد.

دکتر یارشاطر در سال ۱۹۵۸ به دعوت دانشگاه کلمبیا به آمریکا آمد، و پس از تأسیس کرسی هاکوب کورکیان در مطالعات ایران‌شناسی، همکاری با دانشگاه کلمبیا را آغاز کرد و تدریس دروس مربوط به تاریخ تمدن و فرهنگ ایران پس از اسلام، و متون ادبی فارسی را عهده‌دار شد. دکتر احسان یارشاطر در طی سال‌های اقامت در آمریکا و همکاری با دانشگاه کلمبیا هدفی را که در ایران مجدانه در تحقق آن کوشیده بود، به گونه دیگری پی‌گرفت و در کنار کارهای آموزشی و پژوهشی مرکز ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا را تأسیس و انتشار "دانشنامه ایرانیکا" را به منظور شناساندن تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران به جهان، ابتدائاً با یک منشی نیمه وقت و یک ویراستار نیمه وقت، آغاز کرد. حوزه شمول "دانشنامه ایرانیکا" قلمروی گسترده فرهنگ ایران و شاخه‌های مختلف زبان‌های ایرانی در طول تاریخ است که از مرزهای جغرافیایی امروز ایران

بسیار فراتر می رود و سرزمین های خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و شبه قاره هند را در بر می گیرد. طرح انتشار دانشنامه در سال ۱۹۷۴ تصویب شده بود، اما گزینش مشاوران بین المللی، تهیه بودجه مورد نیاز و انتخاب ویراستاران چندسال به درازا کشید. تا امروز ۱۶ جلد دانشنامه، تا اواخر حرف k منتشر شده و همراه با بسیاری از مداخل مربوط به حروف دیگر الفبا به رایگان در تارنمای ایرانیکا در دسترس عموم قرار گرفته است.

دکتر احسان یارشاطر در طی این سال ها با ابتکار، دوراندیشی، دقت علمی، پشتکار و مدیریتی کم نظیر در توسعه مطالعات ایرانشناسی در دانشگاه های مختلف امریکا کوشید، سمینار ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا را پایه گذاری کرد، و به تأسیس بنیاد میراث ایران همت گماشت. یکی از هدف های اصلی بنیاد میراث ایران فراهم آوردن شرایط و امکانات برای ترجمه بسیاری از متون کلاسیک فارسی به زبان انگلیسی، و در چند مورد به زبان های فرانس، ایتالیایی، آلمانی یا ژاپنی است، که از مهمترین نمونه های آن می توان به ترجمه "تاریخ طبری" در چهل جلد و "تاریخ بیهقی" و "سیرالملوک" خواجه نظام الملک طوسی اشاره کرد. از این گذشته آثار بسیاری از نویسندگان و شاعران معاصر، مانند صادق هدایت، جلال آل احمد، بهرام صادقی، و فروغ فرخزاد در مجموعه ادبیات معاصر ایران به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شد. انتشار "شاهنامه فردوسی" به تصحیح انتقادی جلال خالقی مطلق در هشت جلد در شمار مهم ترین طرح هایی است که در بنیاد میراث ایران انجام گرفته است. از این گذشته باید به طرح در دست اجرای "تاریخ ادبیات ایران" به زبان انگلیسی در هجده جلد اشاره کرد که تاکنون پنج جلد آن منتشر شده و تا امروز سه جلد از آن به زبان فارسی نیز ترجمه شده است.

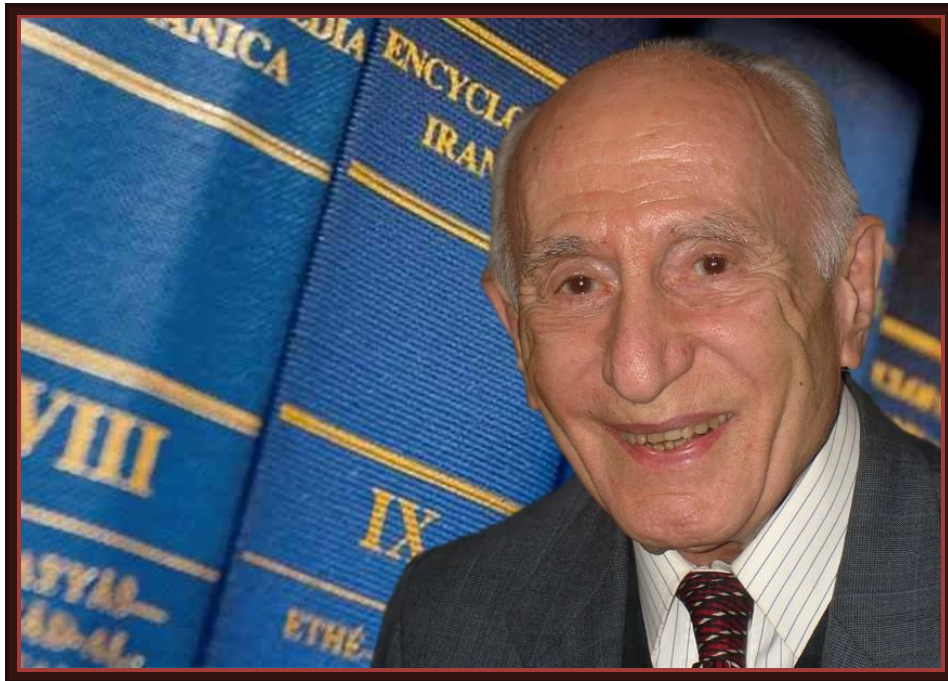
دکتر یارشاطر به عنوان عضو افتخاری انجمن بین المللی ایرانشناسی (آمریکا) و انجمن اروپایی ایرانشناسی و عضو وابسته موسسه آسیائی و آفریقائی ایتالیا و عضو مادام العمر موسسه آمریکائی تحقیقات ایرانشناسی انتخاب گردید. چندین رشته سخرنانی های دو سالانه در دانشگاه لندن و دانشگاه کالیفرنیا (لس آنجلس) و دانشگاه پاریس و دانشگاه مرلند به نام وی برقرار شده است که مجموعه آن ها به صورت کتاب منتشر می شود و در اختیار علاقمندان قرار می گیرد. استاد

یارشاطر هم چنین در سال ۲۰۱۵ مدال Ellis Island Medal of Honor را، که به مهاجران برگزیده اهدا می شود، دریافت کرده است.

زندگی دکتر یارشاطر در سرآغاز قرن چهاردهم شمسی، یعنی نخستین سال های پس از انقلاب مشروطیت و جاسپاری سلطنت مطلقه به حکومت مشروطه، آغازشد، و در سال های پایانی این قرن در امریکا به پایان رسید. قرنی که آشوب ها و تلاطم های سیاسی و اجتماعی بسیاری را از سر گذراند و بسیاری از فصل های آن زمستانی بود. دکتر یارشاطر در گذر از تمام این سال ها، با سیاست به معنای رایج و شناخته شده آن سرو کاری نداشت. سیاست از چشم انداز دکتر یارشاطر آفاق بسیار گسترده تری داشت، تدبیر و حزم و دوراندیشی فراوان می طلبید، در حصار بسته دسیسه چینی ها و دسته بندی های یک دوره خاص تاریخی به بند کشیده نمی شد، و درستی ها و نادرستی های آن را پایداری نام ایران، فرهنگ ایران، و شناساندن وجوه انسانی این تمدن کهنسال به جهانیان رقم می زد.

در تمام سال هایی که شمار زیادی از پژوهندگان، روشنفکران، نویسندگان، و شاعران ایرانی، به گفته دکتر یارشاطر، “به یاری دانشی اندک و آرزویی فراخ”، در حسرت شکوه بربادرفته دوران باستانی تاریخ ایران، که در آن سال ها، بازهم به گفته دکتر یارشاطر، “مثل سواری که از دور بتازد، و یا منظره ای که به تدریج در افق نمودار شود، چشم ها را به خود می خواند،” آه می کشیدند، دکتر یارشاطر، به پشتوانه دانش گسترده ای که از سیر تاریخ و فرهنگ در ایران داشت، با نگاهی آرام و متأمل، به دور از تفاخر بیهوده یا نکوهش نسنجیده، بدون آن که از تحولات و دگرگونی ها غافل بماند، به عوامل و خصوصیات می اندیشید که نام ایران را از سرآغاز تاریخ تا به امروز از برگ های تاریخ گذر داده و ایران را استوار و پابرجا نگاه داشته است، به راز پایداری زبان فارسی می اندیشید، می خواست بداند چرا ایرانیان پس از روبه رو شدن با اعراب و اسلام، بر خلاف مردم مصر و سوریه و عراق، با تمدنی آن چنان کهن، جانب زبان فارسی را فرو نگذاشتند، و گنجینه ای این چنین سرشار از شاهکار های ادبی، چه به شعر و چه به نثر، به جهان هدیه کردند...

دکتر احسان یارشاطر انسانی بود با همتی بلند، هدفی بزرگ و اراده ای استوار، بهره مند از



دانشی عمیق درباره فرهنگ و تمدن و تاریخ و ادب ایران، و آراسته به فضیلت انصاف و واقع بینی، که زبان و فرهنگ فارسی و وطنش بود، در راه شناساندن فرهنگ ایران به جهان و آشنا کردن جهانیان با این فرهنگ گام های بزرگی برداشت. دکتر یارشاطر در جهانی که آرزو می کرد، در فضای برگشوده ذهن برگزیدگانی چون رودکی و فردوسی و خیام و ابوسعید و نظامی و سعدی و مولوی و حافظ زندگی می کرد.

اندیشیدن به هدف هایی این چنین سترگ، و کوشیدن در راه تحقق آن ها، هدیه عزیز دکتر یارشاطر به مردم ایران است، و زندگی و دستاوردهای فرهنگی او تهنیتی به فرهنگ و تاریخ ایران.